

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني
تنظيم و ویرایش: AA-AA

مشکِ سوده

به آسمان وطن آفتاب روشن است
قمر چو اشعه زبینه و درخشان است

به شام تا به سحر چون به کهکشان نگر
ستارگان چه عجب یک به یک چراغان است

به شوق کابل و در آستان فکر و خیال
صفای خواجه صفا و هوای پغمان است

به دشت و کوه و دمن جوش لاله میبینم
به هر طرف که نظر افکنم گلستان است

صدای بلبل و چنگ و چغانه می آید
که موج موسم گل در میان بوستان است

چه مشک سوده و ابر ستوده می ریزد
نشان جنت فردوس در بهاران است

نشاط گلشن و سیر بهار و کیف سخن
همیشه شامل احوال میگساران است

سرور مغبجگان و نوای دمبدم
نصیب روز و شب و هست و بود ایشان است

قرین گوشه میخانه می شود آخر
مگر عبادت زاهد برای عصیان است

غریق دود چلم گشته است و میدانم
به پشت دختر رز محتسب دلنگان است

بیاد میهن و در کارگاه ملک دگر
کسی که رحل اقامت گزیده حیران است

دریغ و درد درین روزگار ناظم ما

سپند مجمر شام سیاه هجران است